



Methods of Spreading *Mashhūrāt* according to Fārābī and Ibn Sīnā

Seyyedeḥ Maliḥeh Poorsaleh Amiri (corresponding author)

M.A in Islamic philosophy and Theology, Graduated from Al-Zahra University

Email: poorsaleh68@gmail.com

Dr. Mahnaz Amirkhani

Associate professor, Al-Zahra University

Abstract

Considering the central role of *mashhūrāt* (generally accepted beliefs) in creating unity among the members of societies and moving them towards happiness or misfortune, this paper has searched for various methods of spreading *mashhūrāt* in the works of Fārābī and Ibn Sīnā. Despite the fact that these two philosophers did not explicitly speak of such methods, it is possible to infer some of them from their works based on the criterion Fārābī has mentioned for motivating people to perform actions. One group of these methods is related to the field of education, which includes imaginative and persuasive methods, and the other group is related to the field of discipline, which includes persuasive and emotional sayings. Other types include imagination and its effects, resemblance to other generally accepted beliefs, soul's faculties, law and *sharī'a* (divine law), learning from childhood, rhetoric, dialectics, and habits. The conclusion is that the methods found in both philosophers' works are complementary to each other, and that the methods of spreading *mashhūrāt* are the accompaniments of the factors of *mashhūrāt*, and that most people accept and follow *mashhūrāt* which have been spread by these methods, yet some are reluctant to accept.

Keywords: methods of spreading *mashhūrāt* (generally accepted beliefs), education, discipline, imagination and its effects, soul's faculties.



HomePage: https://jphilosophy.um.ac.ir/	سال 53 - شماره 2 - شماره پیاپی 107 - پاییز و زمستان 1400، ص 66 - 49
شاپا الکترونیکی 2538-4171	شاپا چاپی 2008-9112
تاریخ پذیرش: 1401/03/09	تاریخ بازنگری: 1398/03/18
DOI: 10.22067/EPK.2022.43479.0	تاریخ دریافت: 1397/06/06
	نوع مقاله: پژوهشی

روش‌های ترویج مشهورات از نگاه فارابی و ابن‌سینا

سیده ملیحه پورصالح امیری (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

Email: poorsaleh68@gmail.com

دکتر مهناز امیرخانی

دانشیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه الزهراء (س)

چکیده

پژوهش حاضر ناظر به نقش محوری مشهورات در ایجاد وحدت و سوق جوامع به سمت سعادت یا شقاوت، به جست‌وجو در باب اقسام روش‌های ترویج مشهورات در آثار فارابی و ابن‌سینا پرداخته است. علی‌رغم عدم تصریح فارابی و ابن‌سینا به روش‌های ترویج مشهورات، می‌توان بر اساس ملاکی که از تأمل در آثار فارابی مبنی بر ایجاد انگیزه در افراد به سوی انجام افعال به دست آمده است، روش‌هایی را برای ترویج مشهورات در آثار آن‌ها استنباط کرد. یک قسم از این روش‌های ترویج مربوط به حوزه تعلیم می‌شود که شامل طریق تخیلی و اقناعی است و قسم دیگر مربوط به حوزه تأدیب است که شامل اقاویل اقناعی و انفعالی می‌شود. اقسام دیگر شامل تخیل و آثار آن، مقاربت با آرای مشهوره دیگر، قوای نفسانی، قانون و شریعت، فراگرفتن از زمان خردسالی، صناعت خطابه و جدل و عادات می‌شود. حاصل تأمل در هر یک از این روش‌های ترویج مشهورات این است که روش‌های ترویج میان این دو فیلسوف مکمل یکدیگر محسوب می‌شوند و روش‌های ترویج مشهورات از لوازم عوامل مشهورات هستند و عکس‌العمل اکثر افراد در قبال مشهورات گسترش یافته به‌وسیله این روش‌ها، اقبال و در برخی، اکراه است. کلیدواژه: روش‌های ترویج مشهورات، تعلیم، تأدیب، تخیل و آثار آن، قوای نفسانی.

طرح مسأله

بحث در حوزه مشهورات، گریزی است فراتر از حوزه ماهیات که منطق ارسطویی مبتنی بر آن است و سخن در مورد آن به مثابه سخن از قواعد و قوانین هنجاری و مبین کنش‌ها و واکنش‌های افعال و کردارهای انسانی است. این آراء از جمله ابزارهایی هستند که به مدبران جامعه در راستای همسو کردن مردم با خود و وصول به اهدافشان یاری می‌رسانند (پورصالح، 108 و 6) و نقش مهمی را در ایجاد وحدت و ائتلاف میان جوامع (فارابی، النصوص المنطقية، 421/1؛ همو، المنطقیات، 1/364-165) ایفا می‌کنند؛ از این حیث دارای فایده‌ی عظیم در اجتماع هستند و طبق تقسیم‌بندی فارابی در تعیین فضیلت علوم و صناعات بر مبنای شرف و برتری موضوع، پی بردن به کنه برهان‌ها و منفعت عظیم (فارابی، الاعمال الفلسفیه، 284)، در میان علوم دارای فضیلت می‌باشند.

این فضیلت در صورتی عاید و متعلق مشهورات خواهد بود که آن‌ها از روش‌های ترویج شایسته و مناسبی در جامعه برخوردار باشند؛ زیرا تا زمانی که روش‌های مناسبی برای ترویج مشهورات در جامعه شناخته یا به‌کار گمارده نشود، این آراء برای جامعه و مدبران آن در جهت رسیدن به اهداف ناکارآمد خواهند بود و فایده‌ای بر آن‌ها مترتب نخواهد شد. به همین منظور این مقاله در صدد جست‌وجوی روش‌های ترویج مشهورات نزد فارابی به عنوان فیلسوف مدنی جهان اسلام و ابن‌سینا به عنوان پرچم‌دار حکمت مشاء است؛ شایان ذکر است که برخی پژوهش‌ها به مسایل مبنایی و زیرساختی نظریات یک فیلسوف می‌پردازند، برخی دیگر که اکثریت مسایل پژوهشی را تحت پوشش قرار می‌دهند، یک مسأله از منظومه فکری یک فیلسوف را بررسی می‌کنند. بعضی مسائل پژوهشی تکیه بر مسأله دیگری از منظومه فکری فیلسوفی دارند؛ به عبارتی مسأله‌ای متعلق و وابسته و درجه دوم نسبت به قسم پیشین محسوب می‌شوند، چنان‌که منفعت پرداخت به آن به متعلق اصلی آن برمی‌گردد؛ مانند پژوهش حاضر، زیرا بررسی روش‌های ترویج مشهورات مسأله‌ای است که زیرمجموعه و شاخه مبحث مشهورات محسوب می‌شود و بررسی آن به اهداف مشهورات در راستای ایجاد وحدت و همسو کردن جمهور با اهداف مدبران و مربیان جامعه کمک می‌کند.

به علت رعایت ترتب منطقی، ابتدا چستی مشهورات، سپس نقش مشهورات به منظور روشن شدن اهمیت پرداختن به این حوزه و سرانجام روش‌های ترویج مشهورات مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

تعریف مشهورات

از آن‌جا که تصور ما از هر فعالیتی نقش مهمی در اخذ روش‌ها و ابزارها دارد (فرامرز قراملکی، 249)

لازم است پیش از پرداختن به مبحث روش‌های ترویج مشهورات، تصور خود را از آن روشن سازیم. فارابی مشهورات را آرای گسترش یافته میان جمهور مردم یا اکثریت آن‌ها یا نزد عالمان و عاقلان آن‌ها و یا نزد اهل هر صنعت و پیشه‌ای از مردم در صورت عدم بروز مخالفتی از سوی آن‌ها معرفی می‌کند و برای این آراء نقش داعی و برانگیزانندگی جهت انجام فعل قائل می‌شود؛ مانند «شکر نعمت‌دهنده، حسن است» و «کفر، قبیح است» (فارابی، المنطقیات، 19/1 و 124). وی در آثار خود «رأی» را به عنوان مفهوم «کالجنس» مشهورات و «ذائعه» و «مؤثره» را به عنوان خاصه‌های آن ذکر می‌کند؛ از این‌رو فارابی از مشهورات، تعریف شرح الاسمی و تحلیل مفهومی ارائه می‌دهد. از ویژگی مؤثر و محرک بودن این آراء جهت انجام فعل نیز می‌توان تعریف رسمی بیانگر کارکرد را ارائه داد. لازم به ذکر است که وی به صورت تفصیلی در کتاب الخطابه در مورد رأی و انواع آن سخن به میان آورده و رأی را به یقین و ظن تقسیم کرده (همان، 456-457) و رأی ظنی را به اعتقادی که در زمانی برای شخص حاصل است ولی امکان زوال آن در آینده می‌رود تعریف کرده (همان، 461) و مشهورات در جوامع را در قسم نوع ظنی رأی جای داده است (همان، 464). فارابی صفت حسن را از میان اقسام ظن برای مشهورات برمی‌گزیند و می‌گوید ظن حسن همان رأی مشهور نزد جمهور است (همان، 392/2).

ابن سینا نیز مانند فارابی رأی را به عنوان مفهوم «کالجنس» مشهورات أخذ می‌کند (ابن سینا، الشفا (الطبیعیات)، 37/2؛ مختصر الاوسط، 100؛ تسع رسائل، 58؛ احوال نفس، 63 و 128؛ الاشارات، 220/1) و از میان اقسام رأی، رأی ظنی را برمی‌گزیند که نقیض آن تنها با دقت نظر مشخص می‌شود و انسان بدون فکر و نظر به سؤالات از این سخن پاسخ می‌دهد (همو، مختصر الاوسط، 100؛ تسع رسائل، 58) و ویژگی‌هایی مانند تعلق این آراء به حوزه عمل افراد، و جوب تصدیق آراء مشهوره که حاصل رسوخ متعارف آن‌ها در اذهان است و شهرت و تسلیم را به عنوان خاصه‌های مشهورات برمی‌شمرد (همو، الشفا (الطبیعیات)، 37/2؛ النجاة، 118؛ تسع رسائل، 58؛ فی ماتقرر عنده من الحکمة، 96، الشفا (جدل)، 4). بنابراین ابن سینا نیز مانند فارابی به شرح‌الاسم و تحلیل مفهومی مشهورات پرداخته است. علاوه بر این وی در طرحی موسوم به فطرت (در مقام تمییز میان اولیات با مشهورات) انسان را از تمامی آموختنی‌ها و اکتسابات، استقرانات و آنچه از طبیعت انسانی او برخاسته است اعم از خلقیات و انفعالیات، مجرد می‌کند. البته در این شرایط، قوه عقلانی و وهمی و حسی انسان با او همراه است و انسان در این حالت قادر به حکم کردن در باب آراء مشهوره نخواهد بود (همو، الاشارات، 1/220). به بیان دیگر، وی در این طرح با برشمردن علل مشهورات به شیوه سلبی (با تعریف از طریق علل مشهورات) به نوع دیگری از

تعریف رسیده است که حد کامل نامیده می‌شود.¹

نقش مشهورات

لازم است پیش از پرداختن به روش‌های ترویج مشهورات به نحو اجمال بحثی در باب اهمیت و نقش مشهورات در اجتماع صورت گیرد. اهمیت مشهورات در دیدگاه فارابی تا حدی است که وی فردی را که افعالش موافق با مشهورات جمیل نزد جمهور باشد، هرچند که عالم به علوم اولی (احتمالاً همان علوم نظری) نباشد، به فیلسوف بودن² نزدیک‌تر می‌داند تا کسی را که عالم به علوم نظری و عملی باشد اما افعالش مخالف با مشهورات جمیل نزد جمهور باشد (فارابی، فصول منتزعه، 101-100). علت این است کسی که افعالش موافق با مشهورات جمیل است میان مردم از مقبولیت بالاتری برخوردار است نسبت به کسی که افعالش مخالف با مشهورات جمیل است؛ زیرا تبعیت از مشهورات جمیل میان مردم نشان‌دهنده احترام و کرامتی است که فرد موافق با مشهورات جمیل برای مردم قائل می‌شود؛ علاوه بر این که او خود به این مشهورات جمیل معتقد است. افزون بر این مطلب یکی از نشانه‌های عقل سلیم این است که فرد خود را از همان ابتدا مخالف مشهورات جمیل میان مردم قرار ندهد؛ هر چند که ممکن است مشهورات میان مردم نادرست باشد؛ زیرا مخالفت از سوی عامه سبب طرد وی از اجتماع می‌شود. یکی از مصادیق بارز آن را می‌توانیم در قرآن کریم طی گفتگو و مناظره میان حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) با قومی که پرستنده اجرام آسمانی مانند ستاره و ماه و خورشید بودند مشاهده کنیم (انعام: 75-82):

هنگامی که تاریکی شب ابراهیم (علیه‌السلام) را فراگرفت و ستاره‌ای را دید، گفت: این پروردگار و مالک من است که تدبیر امور عالم می‌کند، چون غروب کرد، گفت: غروب‌کنندگان را دوست ندارم؛ چرا که آن‌ها درخور تدبیر نیستند. آن‌گاه ماه در پی آن برآمد، هنگامی که ماه را دید که طلوع می‌کند گفت: این پروردگار و مالک من است و تدبیر امور در اختیار اوست؛ اما وقتی آن هم غروب کرد گفت: اگر آن کس که حقیقتاً پروردگار من است مرا راه ننماید، بی‌گمان در زمره مردم گمراه خواهم بود. پس از آن خورشید از افق برآمد و چون خورشید را در حال طلوع دید گفت: این پروردگار من است این از همه بزرگ‌تر است؛ اما همین که خورشید نیز غروب کرد گفت: ای مردم، من از شرک ورزیدن شما و از آنچه شریک خدا شمرده‌اید دور و برکنارم؛ بی‌تردید، من به کسی روی کردم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است و من به غیر او

1. عده‌ای کامل‌ترین تعریف (حد کامل) را آن می‌دانند که بیان‌کننده علت‌های شیء است (فرامرز قراملکی، 169).

2. فیلسوف کسی است که به فضایل علوم نظری آراسته است و این قوت را دارد که علوم خود را در میان مردم و جوامع به کار گیرد. در دیدگاه فارابی فرقی میان فیلسوف علی‌الاطلاق و رییس اول نیست (فارابی، الاعمال‌الفلسفیه، 183-184).

تمایل نخواهم یافت و از مشرکان نخواهم بود (صفوی، ۱۳۷ تا ۱۳۸).

حضرت ابراهیم (علیه السلام) در آغاز دعوت آن‌ها به سوی پروردگار در ابتدا رای و عقیده آن‌ها را - که می‌توان آن را جزء مشهورات جمیل میان قوم محسوب کرد - در مورد پرستش ستاره، ماه و خورشید پذیرفت و با آن‌ها همراهی کرد، آن‌گاه با آگاه و متنبه ساختن آن‌ها نسبت به ویژگی افول‌کنندگی اجرام آسمانی، قوم را متوجه عدم استحقاق و شایستگی آن‌ها برای پرستش کرد.

علت دیگر قرابت فرد موافق با مشهورات جمیل میان مردم در نظر و عمل با فیلسوف بودن این است که این فرد از آموختن علوم نظری ابایی ندارد؛ زیرا ویژگی پذیرش و عمل کردن در راستای مشهورات جمیل میان مردم، او را از آموختن علوم نظری باز نمی‌دارد. اما کسی که عالم به علوم نظری است و افعالش مخالف با مشهورات جمیل نزد جمهور است، به طور طبیعی در جهت افعالی موافق با مشهورات حسن نزد جمهور اقدام نمی‌کند (فارابی، فصول منتزعه، ۱۰۱-۱۰۰). علل دور بودن او از مقام فیلسوف بودن را می‌توان در سلب فردی که افعالش موافق با مشهورات جمیل میان مردم است جست‌وجو کرد.

در بیان نقش مشهورات باید گفت فارابی مشهورات را عامل وحدت و اتلاف و مایه انس و الفت میان امت‌های مختلف با وجود تفاوت آن‌ها در اخلاق، زبان و بعد مسافت می‌داند و این آراء را سرمنشأ بروز افعال مشترکی از سوی مردم جوامع مختلف قلمداد می‌کند (همو، المنطقیات، ۱ / ۳۶۵-۳۶۴. همو، النصوص المنطقية، ۱/۴۲۱). می‌توان این نظریه فارابی را به دیگر اهداف اجتماعات تعمیم داد و مشهورات را بر اساس ویژگی‌هایی که خود فارابی بیان داشته، محرکی مؤثر و برانگیزاننده‌ای قوی در جهت وصول به دیگر اهداف اجتماعات دانست. همچنین دیدگاه فارابی درباره ایجاد وحدت میان جوامع و نقش اساسی مشهورات در آن، می‌تواند مؤیدی برای نظریه او در باب تدبیر مدن باشد. توضیح این‌که مردم جوامع مختلف با وجود تفاوت در اخلاق و زبان، می‌توانند زندگی مسالمت‌آمیزی کنار یکدیگر داشته باشند که نتیجه آن آرامش و صلح در زندگی مردم جوامع خواهد بود.

در بیان اهمیت و نقش مشهورات از دیدگاه ابن‌سینا می‌توان به نقش مبنایی مشهورات در احوالات مدینه‌ها توجه کرد. ابن‌سینا در مبحث مدینه‌ها، به خواننده خود در باب مطالعه و تأمل در حوزه مدینه‌ها و عوامل تغیر و ثباتشان و همچنین جهات پیشرفت و تنزلشان توصیه می‌کند و حتی علت انتقال سیاسات را در تغیر احوالات آن‌ها جست‌وجو می‌کند (ابن‌سینا، کتاب‌المجموع، ۳۷؛ الموجز فی المنطق، ۵۵). بنا بر ویژگی‌هایی که فارابی پیش‌تر برای مشهورات آورده بود - مانند نقش مشوق بودن مشهورات برای مردم در جهت انجام افعال - و ابن‌سینا برای مشهورات برمی‌شمرد، مانند تعلق این آراء به حوزه عمل افراد، و جوب تصدیق آراء مشهوره که حاصل رسوخ متعارف آن‌ها در اذهان است، شهرت و تسلیم که مشخصه اصلی

مقدمت مشهوره است (همو، الشفا (الطبیعیات)، 37/2؛ النجاة، 118، 11، 58؛ الشفا (الجدل)، 4) و رابطه دو سویه‌ای که میان مشهورات و اجتماعات انسانی وجود دارد— زیرا اساس شکل‌گیری مشهورات، اجتماعات انسانی است— نتیجه می‌شود که مشهورات از جمله عوامل تأثیرگذار بر مردم و اجتماعات آن‌ها و تحول مدینه‌ها و حتی انتقال سیاست آن‌ها هستند و بر اساس اهداف مدینه‌ها و نیازهای جامعه و زمان شکل می‌گیرند و ابزار مناسبی در جهت تبعیت مردم و سوق دادن جامعه به سمت هدف مدبر مدینه و عاملی در جهت صعود و یا نزول مدینه از سوی خصم محسوب می‌شوند (پورصالح، 108). البته وصول به اهداف مدینه به وسیله مشهورات زمانی میسر می‌شود که مشهورات از روش‌های کارآمدی برای ترویج برخوردار باشند و تا روش‌های کارآمد برای ترویج نباشند، مشهورات تأثیری در جامعه نخواهند داشت.

روش‌های ترویج مشهورات

مشهورات به دلیل تنوع عوامل مانند انفعالات نفسانی و تخیلات، تقارب مشهورات اعم از تشابه و تقابل، قوای سه‌گانه انسان و قانون و شریعت، احکام و اموری که به اقتضای محاورت و مجاورت و عادات مردم شهرت پیدا می‌کند (فارابی، موسیقی‌الکبیر، 1181؛ المنطقیات، 11/1 و 411؛ ابن‌سینا، الشفا (الطبیعیات)، 37 و 39/2؛ مختصر الأوسط، 102؛ کتاب‌المجموع، 33؛ الموجز المنطق، 47 و 46 و 55؛ الشفا (الهیات)، 423؛ النجاة و عیون‌الحکمة، 385؛ الهدایة، 116؛ المنطق الموجز، 42؛ رازی، شرح‌الاشارات، 268) و به تبع آن¹، تنوع اقسام مشهورات² از روش‌های چندگانه برای ترویج و انتشار برخوردار هستند؛ از جمله این روش‌ها را می‌توان در راستای روش‌های وصول به فضایل و به طور کلی علوم و صناعات از دیدگاه فارابی جست‌وجو کرد. فارابی برای دستیابی به فضایل چهارگانه نظری³، فکری⁴، خلقی⁵ و صناعات عملی¹ که از عوامل سعادت انسان محسوب می‌شوند (فارابی،

1. فارابی در آثار خود تصریحی در باب عوامل مشهورات نکرده است؛ اما می‌توان از تأمل در اقسام و آثار مشهورات و اصناف علم مدنی وی به عوامل شکل‌گیری مشهورات دست یافت. ابن‌سینا نیز در آثار خود برخی از عوامل را به عنوان اسباب مشهورات ذکر نکرده است، اما می‌توان این عوامل را نیز از اسباب مشهورات لحاظ کرد. اطلاعات بیشتر را بنگرید به: امیرخانی، مهناز؛ پورصالح امیری، سیده ملیحه، «بررسی مقایسه‌ای عوامل مشهورات از دیدگاه فارابی و ابن‌سینا»، مجله هستی و شناخت، پاییز و زمستان 1394، شماره 2، سال دوم.

2. می‌توان به ازای هر عملی از مشهورات، قسم متناسب به آن عامل را لحاظ کرد و بالعکس به ازای هر قسم از مشهورات سببی مختص به آن را اتخاذ نمود.

3. علمی که مطلوب غایی آن‌ها معرفت نسبت به موجودات به نحو یقینی علمی می‌باشد (فارابی، الاعمال‌الفلسفیة، 119).

4. قسمی از قوه فکری می‌باشد که انسان را برای استنباط مفیدترین و شایسته‌ترین امورات در جهت نیل به سعادت قادر می‌سازد (همان، 151).

5. فضایل و خیرات جزء نروعی انسان مثل شجاعت و عدالت و سخاوت‌مندی و... است که به شرط عادت و ممارست مداوم بر انسان چیره می‌شود (همو، فصول منتزعه، 30).

الاعمال الفلسفیه، 119) دو طریق تعلیم و تأدیب را پیشنهاد می‌دهد. او فضایل نظری و نشر آن را در میان عموم مردم از طریق تعلیم و فضایل خلقی و صناعات عملی را از طریق تأدیب مقدور می‌داند. فارابی شیوه‌های آموزش در تعلیم و تأدیب را از هم مجزا می‌کند و تعلیم را از شیوه سخن و گفتگو و تأدیب را از روش گفتگوی توأم با عمل و انجام فعل امکان‌پذیر می‌داند. فارابی در شیوه تأدیب از ایجاد ملکه عادت برای رسوخ فضایل خلقی و صناعات عملی در میان مردم استفاده می‌کند و از این طریق این فضایل را به صورت ملکه عملی بر مردم مستولی می‌کند و از این جهت عزم افراد را در جهت انجام افعال برمی‌انگیزاند (همان، 165). به این ترتیب فارابی ویژگی جزم عزم و برانگیزانندگی به سوی انجام افعال را از طریق هر دو روش قول و فعل میسر می‌داند. این ویژگی (برانگیزانندگی در جهت انجام افعال) یادآور خاصه مشهورات یعنی محرک بودن و برانگیزاننده بودن این آراء برای انجام افعال از دیدگاه فارابی است (همو، المنطقیات، 1/124). بر این اساس می‌توان این ویژگی مشهورات را به عنوان ملاکی برای اخذ روش‌های ترویج مشهورات با توجه به انتخاب خود فارابی لحاظ کرد. با توجه به این‌که عمل به مشهورات طی فرایندی صورت می‌گیرد که به طور طبیعی مرحله اول آن آشنایی با این آراء و سپس پذیرفتن آن - لاقلاً برای مشهوراتی که در مرحله اول انتشار و فراگیری هستند - می‌باشد، پس می‌توان از جمله روش‌های آشنایی و ترویج مشهورات را صناعت خطابه² (همو، فصول منتزعه، 62)، اقتاع³ (همان، 63) و تخییل (همان، 63 و 64)⁴ برشمرد. به این ترتیب شیوه تعلیم و تأدیب را - که از روش‌های حصول فضایل و خیرات در دیدگاه فارابی محسوب می‌شود - می‌توان با توجه به ملاک فوق، یعنی ویژگی برانگیزانندگی از جمله روش‌های ترویج مشهورات محسوب کرد. فارابی تعلیم را طی فرایندی به مراحل تصور (معرفت و ادراک نسبت به امور بدون ایقاع نسبت) و سپس تصدیق به آن‌ها منتظم می‌کند. آنگاه مرحله تصدیق را با توجه به طبع و عادت مردم به دوروش برهانی و اقناعی تقسیم می‌کند و روش اقناعی را نیز به دو قسم منقسم می‌سازد. او تعقل و تصدیق برهانی کلیات و حقایق را به نفس ذات خود این حقایق و معانی آن‌ها - مانند معرفت واجب الوجود، مراتب عقول و افعالشان، جواهر آسمانی، اجسام طبیعی و ویژگی‌های آن مانند احکام و اتقان و

1. این فضیلت بر پایه دو قوه نهاده شده است. اولین قوه، قوه علم بر کلیات و قوانین آن صنعت و دومین قوه با دست‌یابی به تجربیات بر اثر انجام صناعت به طور مکرر و مشاهدات حاصل می‌شود (همو، احصاء العلوم، 81 و 82).

2 قدرت گفتگو و سخن‌رانی به گونه‌ای که منجر به پذیرفتن و اقتاع از سوی شنونده و طرف مقابل شود و باعث شود که طرف مقابل از امری دوری‌گزیند یا به آن روی آورد (همو، فصول منتزعه، 62).

3 شخص شنونده و مخاطب پس از اذعان و تصدیق به امری، قصد به انجام امری می‌کند (همان، 63).

4 مقصود از تخییل این است که مخاطب به سوی طلب و خواست چیزی برانگیخته می‌شود و به آن تمایل پیدا می‌کند یا از چیزی گریزان می‌شود و از آن کراهت پیدا می‌کند اگر چه تصدیقی برای این امور صورت نگیرد. اکثر مردم با تخیل خود اموری را دوست دارند و یا از چیزی خشمگین شده و از آن اجتناب می‌ورزند هر چند علم آن‌ها نسبت به این امور با تخیلشان مخالف باشد (همان، 63 و 64).

عنایت و عدل و ...، رئیس اول، وحی، مدینه فاضله و اهل آن، سعادت و مدینه‌هایی که در تضاد با مدینه فاضله هستند و ... - برای حکمای مدینه فاضله میسر می‌داند و علم برهانی حاصل از آن معلومات را فلسفه می‌نامد؛ ولی فهم این معلومات را به شیوه برهانی و یقینی و نفس ذات آن‌ها برای اکثر مردم میسر نمی‌داند؛ زیرا آن‌ها از لحاظ طبع و فطرت و یا عادت قادر بر ادراک و تصور و تصدیق این امور نیستند؛ از این جهت برای تسهیل آموزش به تصدیق اقتاعی در کنار تصدیق برهانی متوسل می‌شوند. یک قسم از روش تصدیق اقتاعی به واسطه خیال و مثال‌هایی (که نزد مردم معروف‌تر و نزدیک‌تر می‌باشد) است که از طریق محاکات¹، صورت می‌گیرد. فارابی علوم مشتمل بر معلومات حاصل از این طریق تصدیق اقتاعی را ملت می‌نامد. قسم دیگر روش تصدیق اقتاعی در قالب خطابه و قیاسات جدلی به کار برده می‌شوند. فارابی ملکه مشتمل بر این معلومات را فلسفه ذایعه مشهوره و برانیه نام می‌نهد (همو، الاعمال الفلسفیه، 167 و 177 و 184؛ آراء اهل المدینه الفاضله، 143؛ کتاب الحروف، 132-131). بر اساس این توضیحات هر دو روش تعلیم و تأدیب و ابزارهای آن، مانند محاکات و تماثل و فلسفه ذایعه مشهوره، و انفعالیات و تخیل و عادت از روش‌های ترویج مشهورات محسوب می‌شوند؛ به این صورت که می‌توان محتوای مشهورات را در قالب آثار تخیلی به صورت انواع و اقسام محاکات و تماثل، مانند شعر و موسیقی و فیلم و نقاشی و ... به مردم ارائه داد تا در اذهان و قلوبشان تأثیر و رسوخ کند. به طریقی دیگر می‌توان بر انفعالات افراد، تأثیراتی گذاشت که مردم به سمت انجام افعال مطابق با مشهورات همت گمارند؛ مانند غلیان عوارض نفسانی همچون رحمت و شفقت برای کمک به فقراء و بیم از مجازات برای دوری از نواهی یا از هر دو روش استفاده کرد تا مشهورات به صورت ملکه عادت بر اذهان افراد مستولی شوند و آن‌ها را به انجام افعال وادارند.

روش دیگر ترویج مشهورات را می‌توان با تأمل در آثار فارابی با توجه به ملاک یاد شده - یعنی ویژگی برانگیختگی به سوی انجام افعال - اقاویل انفعالی و مکمل آن یعنی تخیلات آدمی استنباط کرد (همو، الاعمال الفلسفیه، 167-168). فارابی انفعالات نفسانی و تخیلات را از عوامل مهم بسیاری از اخلاقیات و افعال مردم (همو، موسیقی الکبیر، 67 و 1181)، خواست و تمایل آن‌ها در جهت اثبات و انکار سخنان، متقاعد کردن افراد، دارای **قوة عظیم و نقش قابل توجه** در جهت استیلای آراء و اقاویل در نفوس و ایجاد حمیت و تعصب عنوان می‌کند (همو، المنطقیات، 471-472/1).

ابن‌سینا انفعالات را حاصل ارتباط عقل عملی با قوه حیوانی نزوعی می‌داند (ابن‌سینا،

1 یکی از وظایف قوه متخیله آدمی است که کارکرد آن الگوبرداری از محسوسات خارجی، مزاج بدن، آن‌چه حاصل قوه نزوعی آدمی است مانند انفعالات و معقولات است. محاکات تعابیر دیگری از مناسبت و تمثیل است (همو، آراء اهل المدینه الفاضله، 10-11، 143).

الشفاء (الطبیعیات)، 37/2، الشفاء (جدل)، 330؛ رسائل ابن سینا، 118) و این قسم را به عنوان یکی از عوامل مشهورات در اکثر آثار خود آورده (همو، الشفاء (جدل)، 39؛ مختصر الاوسط، 102؛ کتاب المجموع، 33؛ الموجز فی المنطق؛ 55 و 46؛ النجاة و عیون الحکمة، پ 119؛ مفاتیح الخزائن، 37؛ المنطق الموجز، 43؛ الاشارات، 221/1) و در برخی آثار از آن به عنوان آثار نفسانی، ملکات نفسانی و اقتضای طبیعت انسانی یاد کرده است (همو، مفاتیح الخزائن، 37؛ المنطق الموجز، 43؛ الموجز فی المنطق، 46؛ الاشارات، 220/1). او این انفعالات را محرک انسان به سو فعل معرفی می‌کند. عواطف، هیجانات و انفعالات آدمی، عاملی فطری و برانگیزاننده‌ای قوی در جهت انجام افعال محسوب می‌شوند؛ به طوری که با تقویت برخی از انفعالات آدمی یا تضعیف برخی دیگر می‌توان انسان‌ها را ملزم به انجام قوانین و یا نهی از رذایل کرد؛ بنابراین برای ترغیب افراد به سمت انجام افعال مطابق با مشهورات، استفاده از این عامل می‌تواند بسیار راه‌گشا باشد. یکی از مصادیق و موارد این عامل به همراه تخیلات، موسیقی و الحان آن است؛ چراکه طبق ملاک یاد شده، برانگیزاننده شنوندگان به سوی افعال مطلوب و دست‌یابی به خیرات نفسانی مانند علوم و حکمت است (فارابی، موسیقی الکبیر، 1181)؛ از این جهت می‌توان آن را یکی از عوامل مؤثر ترویج و گسترش مشهورات در جوامع محسوب کرد. فارابی اصناف الحان را تقسیم به الحان لذت‌بخش، الحان انفعالی و الحان خیالی می‌کند (همان، 1171) که می‌توان بر اساس این سه صنف، آرای مشهوره مختص به هر یک را گسترش داد. یکی دیگر از مصادیق انفعالات - که تحت تأثیر مستقیم تخیلات است - اصناف مختلف شعر است. نقش تخیلات در اشعار به گونه‌ای است که منافع صنف الحان خیالی موسیقی را در منافع اقاویل شعری قرار می‌دهد (همان، 67). به گفته فارابی دو صنف لحن لذت‌بخش و انفعالی در تداخل با صنف خیالی قرار دارند و به عبارتی صنف تخیلات بسیار گسترده است و در خود دو صنف دیگر را جای می‌دهد؛ زیرا بسیاری از تخیل‌ها تابع انفعالات نفسانی هستند و اقاویل زمانی که با لحن لذت‌بخش قرین شود، توجه شنونده را بیشتر به خود جلب می‌کنند و لحنی که در آن تمام این سه صنف لذت و تأثیرگذاری و خیال جمع شود، کامل‌ترین و برترین و مفیدترین لحن موسیقی خواهد بود. فارابی افعال این صنف را جزیی از افعال اقاویل شعری قرار می‌دهد و می‌گوید اگر اصناف موسیقی قرین با اقاویل شعری شوند، اقاویل شعری کامل‌تر خواهند شد و به مقصود مورد نظر نیز سریع‌تر نایل خواهند گشت (همان، 1185-1184)¹.

1. فارابی اصناف شعری را به منظور امور جدی و امور لعبی استعمال می‌کند و امور جدی را به عنوان امور منفعت‌بخشی اخذ می‌کند که در جهت رسیدن به کامل‌ترین مقصود انسانی (سعادت قسوی) استعمال می‌شوند و امور لعبی را در جهت راحتی افراد استعمال می‌کند که آن هم در نهایت به اهداف امور جدی منتهی می‌شوند (همو، موسیقی الکبیر، 1185-1184).

در راستای مبحث فوق می‌توان به گزارش فارابی از اصناف اشعار یونانی پرداخت که ارسطو در صناعت شعر آن‌ها را ذکر کرده است. فارابی از میان انواع اشعار در کنار سایر انواعی که اشاره می‌کند، به دو نوع از آن‌ها به نام‌های ایامبو¹ و دراماطا² می‌پردازد که مختص اقوال مشهوره از خیرات و شرور است و نوع ایامبو را مخصوص جنگ‌ها و رجزها و هنگام خشم می‌داند. انواع طراغوذیا³ و دیشر می⁴ نیز یادآور خیرها و امور محموده هستند؛ با این تفاوت که در طراغوذیا مدیر مدینه‌ها و مُدُن نیز مدح و تجلیل می‌شود و در نوع دیشر می فضائل انسانی و خیرات کلی یادآوری می‌شوند. به این ترتیب، فارابی اصناف اشعاری را که در ترویج مشهورات و اخلاق محموده نقش مهمی ایفا می‌کنند، مدنظر قرار می‌دهد. از نظر وی، دو نوع آفیتی و ریطوری⁵ نیز از انواع اشعاری هستند که مقدمات سیاسی و نوامیسی و قانونی را توصیف می‌کنند و به ذکر شیوه حکومت‌رانی پادشاهان و وقایع آن‌ها می‌پردازند (همو، المنطقیات، 497/1-495).

یکی دیگر از روش‌های ترویج مشهورات مطابق ملاک یاد شده در برانگیختن انسان‌ها به سوی انجام افعال، تخیلات⁶ و آثار حاصل از تخیلات انسانی است (همو، الاعمال‌الفلسفیه، 396-395).

اهمیت شأن تخیلات در فرایند انجام افعال از دیدگاه فارابی در حدی است که او منشأ اشتیاق و میل به انجام افعال را به موازات فکر و منطق و سنجش، احساس و تخیل قرار می‌دهد و فعلی را که منشأ آن ناشی از احساس و تخیل باشد، اراده، و فعلی را که منشأ آن ناشی از سنجش و فکر باشد، اختیار نام می‌نهد. او حتی در فرایند شناخت و استنباط عقلی و انجام افعال، نقش معاونت را برای متخیله قائل می‌شود (همو، آراء اهل المدینة الفاضلة، 100 و 102) و تخیلات را از عوامل مهم بسیاری از اخلاقیات و افعال مردم قلمداد می‌کند (همو، موسیقی الکبیر، 67 و 1181). چه بسیار تخیلات انسان که با علم و ظن او در تضاد

1. ایامبو، یک نوع از انواع اشعاری می‌باشد که دارای وزنی معلوم است و در آن اقوال مشهوره از خیرات و شرور یادآوری می‌شوند و استعمال آن در مواقع جدل و جنگ و هنگام خشم و اندوه است (همو، المنطقیات، 496/1).

2. دراماطا نوعی از انواع اشعار می‌باشد که درست مانند نوع ایامبو می‌باشد و تنها تفاوت آن با نوع ایامبو این است که امثال و آراء مشهوره‌ای در آن یادآوری می‌شود که نزد اشخاص و افراد معلوم باشد (به نظر می‌رسد این مفهوم از اقوال مشهوره به مفهوم مقبولات نزدیک باشد) (همان‌جا).

3. طراغوذیا، صنفی از اصناف اشعاری است که دارای وزن معلومی و چندین ویژگی است، مانند لذت بردن از این صنف شعر به هنگام استماع آن، به یادآوری امور خیر و محمودی که مشوق افراد به سمت انجام آن‌هاست، مدح و تجلیل مدیران مدن و مدینه‌ها، استفاده از این نوع شعر برای نغمه سرایی در وصف پادشاهی که از این جهان رخت بر بسته است (همان‌جا).

4. دیشر می صنفی از اصناف اشعار و دارای وزنی ضعیف در نسبت با صنف طراغوذیا است و در آن خیرات کلی، اخلاق کلی محمود و فضائل انسانی یادآوری می‌شود (همان‌جا).

5. آفیتی و ریطوری از انواع اشعاری هستند که در آن‌ها اقوال و مقدمات سیاسی و قانونی وصف می‌شود و در آن‌ها روش پادشاهان و وقایع و اخبار آنان بیان می‌شود (همان، 497).

6. قوه خیال و متخیله در آثار فارابی به یک معنا هستند. قوه متخیله قوه‌ای است که وظایف سه گانه حفظ صور محسوسات بعد از غیبت آن‌ها از حواس را انجام می‌دهد و بعضی از صور را با بعضی دیگر به انحاء مختلف ترکیبات ترکیب می‌کند و همچنین بعضی از صور را از هم منفصل می‌سازد (همو، آراء اهل المدینة الفاضلة، 82 و 84؛ همو، فصول منتزعه، 28).

باشند(همو، المنطقیات، 503/1-502) و آدمی در افعال خود متأثر از تخیلات خویش باشد. فارابی علت این امر را عدم وجود قوه رویه به صورت طبیعی در انسان یا عدم وجود رویه بر اثر استفاده و تأثیر مستمر انسان از خیالات در نسبت با رویه می‌داند(همو، فصول منتزعه، 64)؛ علت استفاده مکرر و عادت به تأثیرپذیری از خیالات و آثار هنری، ضعف جمهور مردم در بنیان ادراکی‌اشان یعنی حس و تخیل می‌باشد؛ به همین علت مدیران مُدُن جهت تدبیر عالم و انتظام امور طبق اهداف خود به قرین کردن اقوال با اوزان و تألیف الحان و اقسام دیگر هنر می‌پردازند(همو، المنطقیات، 504/1). یکی از مصادیق هنر، صنعت شعر است. نقش تخیل، تأثیر در قوه نزوعیه فرد بدون رویت و تصدیق و سنجش براساس ملاک است؛ در واقع شخص در متأثر شدن از تخیل، از خود اختیار ندارد و با تأثیر در عوارض نفسانی او، می‌تواند او را دچار هیجان مفرط کرد و از این ویژگی شعر و آثار تخیلی در جهت وصول به سعادت یا شقاوت استفاده کرد. فارابی در آثار خود مطابق با اهداف سعادت یا شقاوت به تقسیم اصناف شعری می‌پردازد. او سه صنف از اصناف را محمود و پسندیده و سه صنف دیگر را مذموم معرفی می‌کند و به بیان اصناف محمود می‌پردازد. او صنف اول محمود را اصلاح قوه ناطقه، هدایت افعال و افکار به سمت سعادت، تخیل امور الهی و جودت تخیل فضائل و بزرگداشت آن‌ها، و تقبیح شرور و صنف ثانی و ثالث را اصلاح و تعدیل عوارض نفسانی منسوب به قوه و ضعف نفس و هدایت و تعدیل آن‌ها عنوان می‌کند(همو، فصول منتزعه، 63-65)؛ بنابراین تخیل با تحریک و به حرکت واداشتن انسان به سمت پذیرش و برانگیختن انسان به سوی انجام افعال، به اهداف مدیر مدینه کمک می‌کند. ابن سینا نیز به تبع فارابی در فرایند انجام افعال تخیلات را در کنار فکر به عنوان مبادی بعید و به تبع تصور و تصدیق غایت را نیز تخیلی یا فکری می‌نامد(ابن سینا، الشفا(الهیات)، 285 و 286).

اقاویل خُلُقِی

اقاویل خُلُقِی، اقاویلی هستند که شیوه و طریقه مخاطب را به واسطه القای اخلاقی ساختگی و تصنعی در او بدون این‌که شخص دارای چنین اخلاقی باشد، شکل یا تغییر می‌دهند و بر اثر آن مخاطب به افعالی متمایل می‌شود و اقدام می‌کند که افراد در کسوت به علم یا متخلق به آن خلق، عمل می‌کنند. او این سنخ از اقاویل را از صنف اقاویل خُطبی برمی‌شمرد(فارابی، المنطقیات، 472/1). یکی از روش‌های مورد استفاده خطیب می‌تواند تأثیرگذاری بر انفعالات و استفاده از خیالات و مثال‌ها باشد.

روش دیگر ترویج مشهورات را می‌توان شکل گرفتن آراء مشهوره‌ای دانست که با سایر آرای مشهوره مورد پذیرش واقع شده میان اجتماع تشابه و تقابل داشته باشد؛ زیرا جمهور به دلیل تشابهی که میان آراء

وجود دارد به سرعت به قبول آرای مشهوره جدید تن می‌دهند و به این دلیل میان آن‌ها به سرعت ترویج می‌شود. فارابی از چنین آرای که بر اثر شباهت یا ضد بودن آرای مشهوره دیگر شکل می‌گیرند به عنوان مقدمات جدلی یاد می‌کند و آن‌ها را نیز به عنوان مشهورات محسوب می‌کند (همان، 411). ابن‌سینا نیز از رابطه تشابه و تقابلی که میان آرای مشهوره وجود دارد، سخن گفته است (ابن‌سینا، الموجزۃ فی المنطق، 47؛ الشفا الجدل)، 37). فارابی حکم آرای مشهوری را که متشابه باشند، رابطه تمثیلی می‌داند که از جهت تماثل حکم واحدی دارند و حکم آرای مشهوری را که متضاد باشند از جهت تضادشان، متضاد می‌داند (فارابی، المنطقیات، 412/1). این شیوه، استنباط ذایع از ذایع نامیده می‌شود و از جمله آلات صنعت جدل محسوب می‌شود.

یکی دیگر از روش‌های ترویج مشهورات یا برخی از مشهورات، تدوین آن در قالب قانون و شریعت است؛ زیرا زمانی که آرای در قالب قانون و شریعت به جامعه عرضه می‌شوند، افراد خود را ملزم به انجام آن می‌کنند و لذا قوانین به طور طبیعی جزء مشهورات آن جامعه می‌شوند. شریعت در معنای عام قوانینی را در جهت افعال آدمیان وضع می‌کند؛ این قوانین می‌تواند از سوی جمهور مردم یا جماعتی از مدبران جامعه و یا توسط مدبر واحدی تشریح شود (همان، 11/2). اگر وضع قوانین از سوی مدبر واحد و منبع حیانی باشد، شریعت به معنای خاص کلمه خواهد بود. در همین راستا می‌توان روش دیگر ترویج مشهورات را عهد و پیمان‌هایی لحاظ کرد که افراد یا اقوام یا ملت‌ها با یکدیگر می‌بندند؛ زیرا در عهد مجموعه‌ای از قوانینی شکل می‌گیرند که دو طرف عهد ملزم به رعایت آن‌ها هستند؛ بنابراین به مرور زمان و به شرط پابرجا بودن عهد، قوانین میان آن‌ها به صورت آراء پذیرفته شده میان دو طرف و مشهورات میان دو طرف در می‌آید.

مطالعه در حوزه قوای سه‌گانه انسان (ابن‌سینا، الشفا (الهیات)، 423؛ همو، النجاة و عیون الحکمة، 385) ذهن را به این رهنمون می‌کند که روش ترویج آراء مشهوری که نشأت گرفته و مرتبط با قوای شهوانی و غضبی هستند، تأثیرگذاری بر قوای شهوانی، غضبی و تمایل این قوا به سمت آرای است که مدبر مدینه قصد گسترش آن‌ها را دارد، یا بالعکس مدینه خصم درصدد گسترش آرای مشهوره مورد نظر است. تأثیرگذاری بر قوا می‌تواند بر مواردی اعمال شود که بر این قوا مؤثرند؛ مانند تغذیه، قوای روحی، مذهب، فرهنگ و آموخته‌های هر قوم و ملتی، استفاده از آثار تخیلی نیز می‌تواند در راستای هدف مورد نظر بسیار تأثیرگذار باشد.

روش دیگر ترویج مشهورات را می‌توان فراگرفتن آن از زمان خردسالی و کودکی افراد جوامع در نظر گرفت. مزیت این روش در این است که مشهورات چنان رسوخی در اذهان می‌یابند که چون افعال غریزی

در جوامع ریشه می‌دوانند و افراد به طور غریزی به انجام افعال همت می‌گمارند و یا از انجام افعالی سرباز می‌زنند. ویژگی دیگر این روش، بروز افعال مشترک و ائتلاف میان جوامع است. ابن‌سینا این روش را برای مصالح عمومی به‌کار می‌گیرد (فارابی، المنطقیات، 365/1-364؛ ابن‌سینا، الشفا (الطبیعیات)، 183/2).

روش دیگر ترویج مشهورات را می‌توان از بیان ابن‌سینا در برخورد با افراد دچار شک و تردید نسبت به عقاید نافع مبنی بر حجت‌آوری از ماده مقبولات و مشهوراتی که بر اثر تعلیم طولانی در میان جوامع تثبیت شده‌اند استنباط کرد؛ لذا روش استدلال جدلی را می‌توان به‌عنوان یکی از روش‌های اقناع کردن مردم در جهت پذیرفتن و مشهوره کردن چنین آرائی در مدینه‌ها به‌کار برد (ابن‌سینا، الشفا (الهیات)، 14). دیگر روش ترویج مشهورات را می‌توان تأثیرگذاری شخص دارای حسن بیان و شایسته و محبوب دانست که به تسلیم در برابر سخن او و مشهوره کردن بیانات او نزد مخاطبین و مردم جوامع می‌انجامد؛ زیرا این ویژگی‌ها سبب سهولت و سرعت تسلیم مردم در برابر سخنان او و انجذاب نفوس می‌شود (همان، 39).

از دیدگاه شیخ‌الرئیس صناعت خطابه حول محور امور الهی، طبیعی، خُلقی و انفعالات نفسانی شکل می‌گیرد (همو، کتاب‌المجموع، 32؛ الموجز فی المنطق، 46). امور الهی، طبیعی، خُلقی و انفعالی (همو، کتاب‌المجموع، 32 و 33؛ الموجز فی المنطق، 46 و 55؛ الشفا (الجدل)، 39؛ مختصر الاوسط، 102؛ النجاة و عیون‌الحکمة، 119، مفاتیح‌الخرائن، 37، المنطق‌الموجز، 43، الاشارات، 220/1) همگی از عوامل مشهورات محسوب می‌شوند. صناعت خطابه همان‌طور که گفته شده است، عوامل مشهورات را در بر می‌گیرد و به‌ذاته نقش محرک و برانگیزانندگی را برای عمل کردن مردم به سمت افعال مورد نظر برعهده دارد و به عبارتی مروج مشهورات محسوب می‌شوند.

یکی از ویژگی‌های مشهورات از حیث شدت رسوخ در اذهان، میزان نزدیکی آن‌ها با اولیات است که در عرصه تشخیص با اولیات برابری می‌کنند. این قرابت تشخیص از جهت عادت است که بر اثر انس با مشهورات به وجود آمده است (همو، عیون‌الحکمة، 12). عادت و انس میان آراء و قضایا را می‌توان به عنوان یکی از طرق ترویج مشهورات أخذ کرد. گفتنی است ابن‌سینا ملکه عادت را به‌عنوان یکی از عوامل حصول افعال جمیل و اجتناب از افعال قبیح (که آراء مشهوره یکی از عوامل مهم حصول افعال جمیل و اجتناب از افعال قبیح محسوب می‌شود) قلمداد کرده است. او عادت را به فعلی منسوب می‌کند که طی دفعات مکرر و زمانی طویل و بی‌وقفه تحقق می‌یابد. اهمیت این روش از این جهت است که با حاصل شدن ملکه عادت، انسان به طور ناخواسته به سمت انجام افعال مطابق با عادت خود همت می‌گمارد. ابن‌سینا این روش را یکی از اسباب هدایت و سوق اصحاب سیاسات فاضل و یا اصحاب سیاسات شر به سمت افعال مورد نظر خودشان در نظر می‌گیرد (همو، تسع رسائل، 146). با توجه به اهمیت این عامل

می‌بایست در جستجوی عواملی بود که سبب می‌شوند این آراء به صورت عادت میان مردم شکل بگیرند. این روش، یکی از شیوه‌های طریق تأدیب در ایجاد فضایل خلقی و صناعات عملی از دیدگاه فارابی محسوب می‌شود (فارابی، الاعمال الفلّسفیة، 165). در اهمیت عادت همین بس که عادت از عوامل اصلی اخلاق، ملکات، کنش‌ها و واکنش‌ها، و هیئات به عنوان علت قریب رفتارها و افعال است (همو، فصول منتزعه، 23-24؛ آراء اهل المدینة الفاضلة، 101). در فرآیند حصول عادت، ملکات حاصل نمی‌شود جز زمانی که بر اثر تداوم و ممارست مداوم، جزء ساختار شخص شود (بدوی، افلاطون فی الاسلام (تلخیص نوامیس)، 60)؛ پس از جمله اسباب قریب اخلاق حاصل از ملکه، عادت می‌باشد. ترکیب عادات با استعداد طبیعی افعال فضیلت، عامل ایجاد هیئت فضیلت در نفس و صدور افعال فضیلت می‌شود (فارابی، فصول منتزعه، 31، همو، الاعمال الفلّسفیة، 162؛ کتاب الحروف، 135)؛ با عادت می‌توان استعدادات طبیعی به سمت فضایل یا صنایع را به فعلیت رساند و به ملکه خلقی یا صناعی تبدیل کرد؛ هم‌چنین عادت می‌تواند در جهت عکس نیز عمل کند و استعداد فطری فرد را از بین برده یا نازل سازد (همو، السیاسة المدنیة، 83-84). پس مؤلفه عادت می‌تواند در راستای ترویج مشهورات در هدایت یا نزول استعداد فضایل و صناعات خلقی و ایجاد ملکه منوط به مشهورات مورد نظر نقش مهمی را ایفا می‌کند.

نتیجه

مشهورات به دلیل خاصه‌هایی مانند منتشر شدن و برانگیختن انسان‌ها از جمله مبادی مهم نظری انجام افعال محسوب می‌شوند. از شروط کفایت‌کننده مبادی انجام افعال جستجوی روش‌های ترویج مشهورات می‌باشد. فارابی و ابن‌سینا هیچ‌یک به روش‌های ترویج مشهورات در آثار خود تصریح نکرده‌اند؛ اما از تأمل در آثار هر یک می‌توان روش‌هایی را استنباط کرد. در روش تعلیم قسم ملت، به دلیل این که محاکات و تماثل در تلائم با طبع و تخیل افراد هستند، افراد با رغبت این تعالیم را می‌پذیرند، در قسیم ملت یعنی فلسفه ذایعه مشهوره افراد با اقتناع و اقبال این آراء را می‌پذیرند. در بخش تأدیب قسم انفعالیات، بنا بر نحوه تربیت، ارث و طبیعت انسان‌ها، نحوه عکس‌العمل برخی افراد با اقبال است و برخی دیگر با اکراه. در روش تخیل نیز باید گفت، آثار تخیلی ابتدا بر افراد تأثیر می‌گذارند و افراد به دنبال این تأثیرگذاری با میل و رغبت به انجام افعال همت می‌گمارند. انفعالیات با تخیل و آثار آن مانند نقاشی، موسیقی، شعر و سایر اقسام هنری تداخلاتی دارد؛ زیرا این آثار تخیلی ابتدا باید از پل انفعال بر افراد بگذرند، سپس افراد به مقتضای تأثیر آن‌ها بر خودشان اقدام به انجام افعال کنند. در قسم قانون و شریعت این آراء اگر با اقتناع بر جمهور

صورت گیرند با اقبال مردم مواجه می‌شوند، ولی از سوی متخالفان با اکراه و بالاجبار. در اقاویل خلقی، فرد بدون اختیار، به انجام افعال القا شده همت می‌گمارد؛ بنابراین موضع این شیوه، لابشرط از اقبال یا اکراه است. در روش مقاربت با آرای مشهوره نیز این آراء از جهت تشابه و تناسبی که با سایر آرای مشهوره دارند به سرعت میان مردم مقبول می‌افتند و میانشان مشهور می‌شوند. در روش قوای طبیعی نیز از جهت آن‌که محرک افراد در اکثر افعال، طبیعت و قوای آن است، با اقبال مردم مواجه می‌شود. در روش‌های تعلیم از زمان خردسالی و طبق عادات، افراد به جهت انسی که با آراء مشهوره می‌یابند با رغبت و در سطح گسترده‌ای آراء مشهوره را می‌پذیرند. در روش‌های خطابی و سخنان شخص دارای حسن بیان نیز به دلیل تأثیرگذاری بر اذهان و قبول مردم، این روش با رغبت مواجه می‌شود و در موارد معدودی به دلیل عدم تأثیرپذیری از سوی برخی افراد، با امتناع مواجه می‌شود. در روش از طریق حجت جدلی به شرط اقتناع افراد، با میل و رغبت و در صورت عدم اقتناع، با اکراه و در برخی اوقات با امتناع مواجه می‌شود. در مؤلفه عادت و نقش آن در ایجاد ملکه، افراد از خود اختیاری ندارند و از روی عادت مبادرت به انجام افعال می‌ورزند؛ بنابراین این مؤلفه، لابشرط از اقبال و اکراه محسوب می‌شود. در مجموع می‌توان گفت روش‌های ترویج مشهورات نزد این دو فیلسوف، مکمل همدیگر محسوب می‌شوند؛ به این معنا که هر یک از اقسام تعلیم و تأدیب در فارابی تحت عنوان خطابه و جدل در ابن‌سینا یافت می‌شوند، مباحثی همچون مقاربت با آراء مشهوره و عادت نیز در آثار هر یک از آن‌ها به صورت پراکنده یافت می‌شوند؛ بنابراین هر یک از اقسام مطرح شده در فارابی و ابن‌سینا، تحت پوشش مسایل دیگری در اثر هر یک یافت می‌شوند. از طرف دیگر به موازات کشف روش‌های بیشتری برای ترویج، جامعه برای نیل به اهداف خود موفق‌تر عمل خواهند کرد؛ چرا که در صورت افاقه نکردن هر یک از شیوه‌ها می‌توان به روش‌های دیگری متمسک شد.

رابطه میان روش‌های ترویج مشهورات با مبحث عوامل آن به این شکل است که برخی از روش‌های ترویج مشهورات ریشه در عوامل و اسباب مشهورات دارند و همان‌گونه که به عنوان نمونه قسم انفعالات آدمی از عوامل مشهورات محسوب می‌شود، همین عامل از جمله روش‌های ترویج محسوب می‌شود که می‌توان با تأثیرگذاری بر این عامل فطری آدمیان، آرای را که نشأت گرفته از این عامل هستند، میانشان گسترش داد؛ همین‌طور است حال سایر روش‌های ترویج متداخل با عوامل مشهورات.

منابع

قرآن کریم

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله، الاشارات و التنبیها، چاپ اول، نشرالبلاغه، قم، ۱۳۸۳.

- ابن‌سینا، تسع رسائل فی الحکمة و الطبیعیات، چاپ دوم، دارالعرب، قاهره، 1326 ق.
- ابن‌سینا، رسائل ابن‌سینا، به اهتمام حلمی ضیاء اولکن، دانشکده ادبیات استانبول، استانبول، 1953 م.
- ابن‌سینا، رساله احوال نفس، مقدمه و تحقیق از فواد الالهوانی، دار بیلیون، پاریس، 2007 م.
- ابن‌سینا، الشفاء (طبیعیات)، تحقیق سعید زائد، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، 1404 ق.
- ابن‌سینا، الشفاء (جدل)، تحقیق سعید زائد، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، 1404 ق.
- ابن‌سینا، الشفاء (الهیات)، تحقیق سعید زائد، مکتبه آیه الله المرعشی، قم، 1404 ق.
- ابن‌سینا، رساله فی ما تقرر عنده من الحکومة، نقل در مبحث عن القوى النفسانية او کتاب فی النفس علی سنة الاختصار، تقدیم و ترجمه و تحقیق ادورد کرنیلیوس فنیدیک، دار بیلیون، بیروت، 2005 م.
- ابن‌سینا، کتاب المجموع او الحکمة العروضية فی معانی کتاب ریطوریکا، تحقیق و شرح دکتر محمد سلیم سالم، مکتبه النهضة المصرية، قاهره، 1950 م.
- ابن‌سینا، عیون الحکمه، مقدمه و تحقیق از عبدالرحمن بدوی، چاپ دوم، دارالقلم، بیروت، 1980 م.
- ابن‌سینا، مختصر الاوسط، کتاب‌خانه ایاصوفیه استانبول، شماره دست‌نویس 4829، بی تا الف.
- ابن‌سینا، مفاتیح الخزان، تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن‌سینا از دکتر زینب برخورداری، پایان‌نامه دکتری، اساتید راهنما دکتر نجفقلی حبیبی و دکتر احد فرامرکزقراملکی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، 1388.
- ابن‌سینا، المنطق الموجز، تصحیح و تحلیل هشت رساله منطقی ابن‌سینا از دکتر زینب برخورداری، پایان‌نامه دکتری، اساتید راهنما دکتر نجفقلی حبیبی و دکتر احد فرامرکزقراملکی، دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، 1388.
- ابن‌سینا، الموجزة فی المنطق، کتاب‌خانه دانشگاه استانبول، شماره دست‌نویس 3، بی تا.
- ابن‌سینا، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، مقدمه و تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، 1379.
- ابن‌سینا، النجاة و عیون الحکمة، تصحیح عبدالرحمن بدوی، انتشارات بیدار، قم، 1400 ق.
- ابن‌سینا، الهدایة، تحقیق و تقدیم محمد عبده، چاپ دوم، جامعه قاهره، ملتزم الطبع و النشر مکتبه القاهرة الحدیثة، قاهره، 1974 م.
- امیرخانی، مهناز؛ پورصالح امیری، سیده ملیحه، «بررسی مقایسه‌ای عوامل مشهورات از دیدگاه فارابی و ابن‌سینا»، مجله هستی و شناخت، شماره 2، سال دوم، پاییز و زمستان 1394، صص 79-98.
- بدوی، عبدالرحمن، افلاطون فی الاسلام، دارالاندلس، اندلس، 1980 م.
- پورصالح امیری، سیده ملیحه، پایان‌نامه تبیین مشهورات در منطق ابن‌سینا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر مهناز امیرخانی و مشاوره دکتر زینب برخورداری، دانشگاه الزهراء (س)، دانشکده الهیات، بیستم اسفند، 1393.

- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، شرح الاشارات و التنبیها، مقدمه و تصحیح دکتر نجف‌زاده، چاپ اول، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴.
- صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن بر اساس المیزان، چاپ اول، نشر آبنوس، قم، ۱۳۸۸.
- فارابی، ابی نصر محمد بن محمد بن طرخان، الاعمال الفلسفیه، مقدمه و تحقیق و تعلیق از دکتر جعفر آل یاسین، چاپ اول، دارالمناهل، بیروت، ۱۴۱۳ق.
- فارابی، آرا اهل المدینة الفاضلة و مضاداتها، مقدمه و شرح و تعلیق از دکتر علی بوملحم، مکتبة الهلال، بیروت، ۱۹۹۵م.
- فارابی، السیاسة المدنیة، مقدمه و شرح از دکتر علی بوملحم، چاپ اول، مکتبة الهلال، بیروت، ۱۹۹۶م.
- فارابی، فصول منتزعة، تحقیق و تصحیح و تعلیق از دکتر فوزی نجار، چاپ دوم، مکتبة الزهراء (س)، تهران، ۱۴۰۵ق.
- فارابی، کتاب الحروف، مقدمه و تحقیق و تعلیق از محسن مهدی، دارالمشرق، بیروت، ۱۹۸۶م.
- فارابی، موسیقی الکبیر، تحقیق و شرح غطاس عبدالملک خشبه، مراجعه و تصدیق محمود احمد الحضنی، دارالکاتب العربی للطباعة، قاهره، ۱۹۶۷م.
- فارابی، النصوص المنطقیة، تحقیق و تقدیم محمدتقی دانش پڑوه، اشراف السید محمود المرعشی، چاپ اول، نشر مکتبة آية الله العظمی المرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۸ق.
- فارابی، المنطقیات، تحقیق و مقدمه از محمدتقی دانش پڑوه، چاپ اول، مکتبة آية الله المرعشی، قم، ۱۴۰۸ق.
- فرامرزی قراملکی، احد، روش شناسی مطالعات دینی، چاپ سوم، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۷.
- نرم افزار کتابخانه حکمت اسلامی، مرکز تحقیقات علوم اسلامی.
- مجموعه آثار علامه طباطبایی (ره)، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.